

جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۹۰-۳۶۶
تأثیر گردشگری سیاسی در تبدیل روستا به شهر؛ نمونه موردی آلاشت

سیدحسن شجاعی دیوکلایی^{۱*}، زمانه حسن‌نژاد^۲

۱-دانشیار. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. گروه تاریخ. بابلسر. ایران.

Email: h.shojaee@umz.ac.ir

۲-دکتری تاریخ محلی و مدرس مدعو. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. گروه تاریخ. بابلسر.

ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

چکیده

مازندران در زمره استان‌های با اکثریت جمعیت روستائین و برخوردار از اقتصاد کشاورزی در دوره پهلوی دوم بود. در دهه چهل شمسی اما با اجرای سیاست‌ها و طرح‌های جامع گردشگری بافت برخی از روستاهای استان در دچار تغییر شد. درحالی که سیاست توسعه گردشگری با اهداف اقتصادی در دوره پهلوی دوم منجر به تغییر بافت برخی از روستاها مازندران به بافت شهری شد؛ تبدیل شدن روستای آلاشت به شهر در دوران پهلوی دوم متفاوت و متأثر از شرایط ویژه و در نتیجه رواج و نوعی گردشگری با اهداف سیاسی و تبلیغاتی بود. بر این اساس پژوهش پیش رو در صدد است تا با استفاده از روش پژوهش تاریخی و به کارگیری اسناد آرشیوی، به طرح و پاسخگویی این پرسش بپردازد که گردشگری سیاسی برپایه اهداف سیاسی و تبلیغاتی حکومت در عصر پهلوی دوم چه تأثیری بر تبدیل موقعیت آلاشت از روستا به شهر داشت؟

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برخلاف برخی از روستاهای مازندران مانند فریدونکار، نشتارود، محمودآباد متلقو ... که در نتیجه سیاست توسعه گردشگری با اهداف اقتصادی بافت روستائی آنها تبدیل به بافت شهری شد؛ این اتفاق در مورد روستای آلاشت در نتیجه نوعی گردشگری سیاسی با اهداف تبلیغاتی به گونه دیگر رقم خورد. ضرورت فراهم آوردن امکانات زیر ساختی برای حضور، بازدید و اقامت بازدیدکنندگان از زادگاه موسس سلسله پهلوی در نتیجه سیاست‌های تبلیغاتی حکومت پهلوی دوم در شناساندن رضاشاه به عنوان پدر ایران نوین منجر به شکل‌گیری نوعی گردشگری سیاسی در این روستا شد. در پی تلاش حکومت پهلوی دوم برای توسعه گردشگری سیاسی در آلاشت اگرچه این روستا از موقیت و امکانات شهری مانند امکانات رفاهی و بهداشتی، راه، آب، برق و تلفن، شهردار، پاسگاه ژاندامری، دادگستری ... برخوردار شد و در نتیجه آن در تقسیمات اداری به عنوان حوزه شهری شناخته شد؛ اما بافت آن دچار تغییر نشد و به شکل بافت روستایی باقی ماند.

واژگان کلیدی: گردشگری سیاسی، روستا، آلاشت، موقعیت شهری، مازندران.

مقدمه

مقوله گردشگری در ایران دوران معاصر از عصر پهلوی اول با تأسیس اداره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی در سال ۱۳۱۳ در بدنه وزارت داخله مورد توجه این حکومت قرار گرفت. (ساکما، ۱۳۹۱/۱۷۷۷: ۱) بر این اساس اهداف تشکیل این سازمان بیش از آنکه جنبه‌های اقتصادی به منظور کسب درآمد از گردشگران خارجی باشد؛ اهدافی برپایه سیاست‌های تبلیغاتی حکومت به منظور تبلیغات و شناساندن ایران و سوابق تمدن تاریخی آن در مجامع بین‌المللی در چهارچوب ایدئولوژی ناسیونالیستی و باستانگراییانه این حکومت بود. (ساکما، ۱۳۹۸/۲۹۳/۱۲۱۷۵: ۵) سیاست‌گذاری‌های در حوزه گردشگری در دوره پهلوی دوم تا دهه چهل برهمن منوال و با اهداف سیاسی و تبلیغاتی با تشکیل شورای جهانگردی در سال ۱۳۲۰، (ساکما، ۱۳۲۰/۱۷۱۵۹: ۲-۱) اداره امور جهانگردی در سال ۱۳۳۳ (ساکما، ۱۳۹۳/۱۱۴۴۰۵: ۲-۱) و شورای عالی جهانگردی در سال ۱۳۳۷ (ساکما، ۱۳۹۸/۱۴۱۴: ۳-۱) دنبال شد.

این وضعیت اما در ابتدای دهه چهل شمسی دچار تغییر شد. از این زمان سیاست توسعه گردشگری به عنوان یک صنعت درآمدزا به منظور کسب درآمد با ایجاد سازمان جلب سیاحان در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ در ایران مورد توجه قرار گرفت. (ساکما، ۱۳۹۷/۲۶۴/۰۰۰۷۶۹: ۳) پس از این و در سال ۱۳۵۳ اهمیت یافتن گردشگری با اهداف اقتصادی و به منظور کسب درآمد منجر به تأسیس ارگانی در ابعاد یک وزارتخانه به عنوان متولی امر گردشگری با عنوان وزارت اطلاعات و جهانگردی شد. (ساکما، ۱۳۹۸/۲۳۰/۱۲۴۲: ۱۴)

این نهادهای نو بنیاد به دنبال اتخاذ تصمیمات کلانی بودند که ایران را به کشوری برخوردار از درآمد گردشگری تبدیل کنند. (ساکما، ۱۳۹۷/۲۶۴/۰۰۰۷۶۹: ۶) در میان اقدامات، تصمیمات و قوانین وضع شده از سوی سازمان‌های متولی گردشگری، قوانین و تصمیمات متعددی وجود داشت که به توسعه گردشگری در روستاها و یا توسعه روستاها با هدف توسعه گردشگری توجه می‌کرد. (ساکما، ۱۳۹۸/۲۶۴/۰۱۴۴۸: ۱۸۱) مانند تشویق مردم روستاها به پذیرایی از جهانگردان در منازل شخصی، کوشش برای برگزاری جشن‌ها و مراسم ابتکاری ملی و محلی از قبیل مسابقات اسبدوانی، مسابقات گل، جشن‌های رقص و آواز محلی و نمایشگاه محصولات کشاورزی و دامپروری و صنایع محلی (ساکما، ۱۳۹۸/۲۹۳/۰۱۴۴۹: ۱۳۸)، ایجاد مراکز اطلاعات جهانگردی در روستاهایی که دارای آثار تاریخی و یا مناظر طبیعی هستند، فراهم نمودن محل‌های مناسب برای اردوگاه‌های جهانگردی و تأمین حداقل وسایل و تأسیسات بهداشتی، (ساکما، ۱۳۹۸/۲۹۳/۰۱۴۴۹: ۱۳۶) کوشش در ساختن راه‌های فرعی از شهرها به روستاهایی که دارای آثار تاریخی و مناظر طبیعی و موقعیت ورزش‌های زمستانی و سرچشمه آب‌های گرم معدنی بودند، تشویق و ترویج صنایع دستی و هنرهای محلی در روستاها و نقاط عشایر نشین از راه خرید صنایع محلی، آماده ساختن نقاط ییلاقی در روستاهای کنار دریاچه‌ها و رودخانه‌ها برای استفاده جهانگردان، کوشش در پاکیزگی و نظافت کوچه‌های روستاهایی

که به نقاط توریستی منتهی می‌گردد، تشویق مردم روستاهای اطراف نقاط دیدنی و آثار تاریخی و مناظر طبیعی به خوش رفتاری و ادب و مهمانوازی و احترام به مسافران و جهانگردان. (ساکما، ۱۴۴۹/۰۲۹۳/۹۸: ۱۳۷)

در این میان استان‌های شمالی ایران، مخصوصاً استان مازندران در دهه ۴۰ و ۵۰ با توجه به ظرفیت جغرافیای طبیعی، به سرعت از آثار و پیامدهای سیاست توسعه گردشگری متأثر شد. یکی از پیامدهای تأثیرپذیری استان مازندران از این سیاست توسعه گردشگری تغییر بافت تعدادی از روستاهای این استان از بافت روستایی به بافت شهری بود. توسعه جاده‌های برون شهری که منجر به تسهیل دسترسی گردشگران به روستاهای مقصد گردشگری می‌شد، منجر به برخورداری روستاهای مقصد گردشگری از امکانات اولیه شهری در بازه‌های زمانی کوتاه مانند امکانات چون آب، برق، تلفن و امکانات بهداشتی مانند بهداشتی و بیمارستان و همچنین امکانات اداری چون شهرداری، آموزش و پرورش، پاسگاه ژاندارمری ... شد. چنین شرایطی بود که در مازندران صنعت گردشگری به ابزاری ناخواسته برای تبدیل شدن برخی از این روستاها به شهر شد.

هرچند بررسی تأثیرات سیاست توسعه صنعت گردشگری با اهداف اقتصادی در دهه چهل و پنجاه در ایران موضوعی جذاب و قابل بررسی به نظر می‌رسد؛ اما مقصود ما در این مقاله نمی‌باشد. هدف این مقاله بررسی تأثیرات توسعه نوعی از گردشگری بر شکل‌گیری شهرها است که از آن می‌توان به عنوان گردشگری سیاسی نام برد. تحت تأثیر این نوع گردشگری که حکومت پهلوی دوم اهداف سیاسی و تبلیغاتی را از آن دنبال می‌کرد؛ تصمیماتی اتخاذ و عملکردهای از سوی سازمان‌های دولتی تصمیم‌گیرنده صورت گرفت که منجر به تغییر موقعیت برخی از روستاها به شهر شد. نمونه مورد مطالعه شکل‌گیری چنین شکلی از شهرها که مورد مطالعه این مقاله است تبدیل روستای آلاشت به شهر بر پایه گردشگری سیاسی است.

در نوشتار پیش‌روی، شیوه پژوهش تاریخی که از شیوه‌های متداول در علوم انسانی است، به عنوان روش پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته است. این شیوه متکی بر داده‌های اسناد و منابع تاریخی، غالباً دسته اول است. در این روش، پژوهشگر سعی دارد با استفاده از اسناد و کتاب‌های تولید شده در زمان رخداد، به انعکاس اطلاعات استخراج شده و بازآفرینی تاریخی بپردازد. در این شیوه پژوهشگر پس از جمع‌آوری و استخراج داده‌های تاریخی، سعی در بررسی صحت و سقم این اطلاعات و البته ارائه تحلیل‌هایی متکی بر داده‌های تأیید شده دارد. لذا علت‌یابی، استدلال و تجزیه و تحلیل یافته‌های منبعث از منابع دسته اول، مبنای روش پژوهش تاریخی است. کیفیت اطلاعات استخراج شده و تحلیل‌های مطرح شده در این روش، وابسته به اشراف محقق به برهه زمانی مورد بحث و تسلط نسبی بر منابع می‌باشد. تشریح عمیق، دقیق و چندوجهی رویدادهای گذشته، وجه مشخصه این روش است. (حضرتی، ۱۴۰۱: ۱۱۰)

بر این اساس پژوهش پیش‌رو در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و به کارگیری اسنادی آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای به طرح و پاسخگویی این پرسش بپردازد که گردشگری سیاسی برپایه اهداف سیاسی و تبلیغاتی حکومت در عصر پهلوی دوم چه تأثیری بر تبدیل موقعیت آلاشت از روستا به شهر داشت؟ تحقق این مهم در نخستین گام مستلزم بررسی جغرافیای روستایی و گردشگری مازندران در عصر پهلوی دوم است که این مسأله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جغرافیای روستایی و گردشگری در مازندران در عصر پهلوی دوم

مازندران در تقسیمات اداری دوره پهلوی دوم تا سال ۱۳۴۰ استان‌های گلستان و سمنان را نیز شامل می‌شد. سمنان سال ۱۳۴۰ از استان مازندران جدا شد و تا پایان دوران پهلوی مازندران و گلستان استان مازندران را تشکیل می‌دادند. در تقسیمات سیاسی و جغرافیائی اگرچه مازندران شامل این دو استان مورد اشاره بود؛ اما حدود و قلمرو فرهنگی آن به اعتقاد منوچهر ستوده در غرب از رامسر و در شرق تا جر کلباد (گلوگاه) بود. (ستوده، ج ۳، ۱۳۵۳: ۵) بر اساس تخمین‌های قومی، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها یعنی ساکنان سواحل جنوبی دریای کاسپین ۸ درصد جمعیت ایران در عصر پهلوی (میرحیدر، غلامی، ۱۳۹۲: ۲، ۸) و اقلیم ساحلی دریای کاسپی (خزر) یک بیست و هفتم مساحت ایران را شامل می‌شد. (بدیعی، ۱۳۶۲: ۹۱) اما اکنون سه استان شمالی در مجموع ۹/۶۲ درصد جمعیت ایران را در خود جای دادند. بر اساس آخرین آمار از این میزان ۴/۱۱ درصد جمعیت مازندران، ۳/۱۷ درصد جمعیت گیلان و ۲/۳۴ جمعیت گلستان را تشکیل می‌دهند. (سایت سازمان آمار ایران؛ [https:// amarfact.com](https://amarfact.com))

از منظر جغرافیای طبیعی نیز سواحل جنوبی دریای خزر با طول ۵۰۰ کیلومتر دارای آب و هوای مدیترانه‌ای و مرطوب است. این ناحیه از منظر منابع جغرافیائی دوره پهلوی دوم مانند کتاب جغرافیای مفصل ایران دنباله منطقه اورازیاتیک (اروپایی – آسیایی)، دارای زمستان ملایم و باران فراوان و درجه حرارت میانگین ۵ تا ۹ درجه در دی ماه و ۲۵ تا ۲۶ درجه در تیر ماه بود. (بدیعی، ۱۳۶۲: ۵۶). این خصایص جغرافیایی، مازندران را به موقعیتی مستعد برای کشاورزی و زندگی روستایی تبدیل کرده است. به لحاظ عوارض طبیعی موقعیت جلگه‌ای و وجود رودهای متعددی در مازندران مانند رودهای هراز، تلار، بابل رود، تجن، نکارود و چالوس که به طور عمده مصارف کشاورزی و صیادی داشتند؛ (ستوده، ۱۳۵۳: ج ۳، ۹) شرایط را برای غالب شدن شیوه تولید کشاورزی و زندگی روستایی فراهم کرد.

در چنین شرایطی استان‌های شمالی ایران از جمله مازندران تا دوران پهلوی و تا پیش از اصلاحات ارضی، منطقه‌ای غالباً روستایی با اقتصاد کشاورزی بود. روستا و زندگی متکی بر کشاورزی در حیات محلی بومیان این نواحی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. برنج کاری، پرورش مرکبات و پرورش ابریشم، مهم‌ترین اشتغال ساکنان این ناحیه بود. (بدیعی، ۱۳۶۲: ۵۶)

زندگی روستائی و شیوه معیشت آن در نواحی شمالی و خرزی ایران مخصوصاً در استان مازندران اما دارای تفاوتی اساسی با زندگی و معیشت روستائی با سایر نقاط ایران بود. این تفاوت به اعتقاد مجتهدزاده (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۱) و کندی (کندی، ۱۳۵۱: ۹۳) ناشی از پیوستگی جغرافیایی روستاها با شهرها در مازندران بود که روستاها در استان مازندران را مخصوصاً در نیمه دوم قرن بیستم برخوردار از وضعیتی متفاوت با روستاهای سایر نقاط ایران می‌کرد.

برپایه چنین ویژگی‌هایی در شمال ایران از جمله مازندران با شهرهای بزرگ چندانی روبرو نبوده‌ایم. (اعتماد، ۱۳۷۵: ۱۲۳) شهرهای عمده مازندران در اواخر دوره پهلوی دوم شامل ساری، بابل، گرگان، شاهی، آمل، بهشهر بود که جمعیتی مابین بیست تا شصت هزار نفر داشتند. شهرهای کوچک‌تری چون محمودآباد، نشتارود و غیره که تعداد آنها به بیست هزار نفر می‌رسید. بنا بر گزارش کندی در واقع روستاهای بزرگی بودند که در کنار جاده‌های آسفalte جدید و متأثر از افزایش جمعیت روستایی، به مرور نام شهر گرفتند. این شهرها به یک خیابان محدود می‌شوند که بخش مسکونی و غیرمسکونی در امتداد دو سوی جاده قرار داشتند. (کندی، ۱۳۵۱: ۹۴) در واقع بسیاری از شهرهای جدید مازندران با هویت ظاهری و بیرونی شهری اما در لایه درونی با ماهیت روستایی ایجاد و افزایش یافتند.

در سال ۱۳۴۵ مازندران دارای ۳۴ بخش و ۱۲۳ دهستان و استانی با اکثریت روستانشین بود. (اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران، ۱۳۹۰: ۵۶۰، ۴۲۰) طبق سرشماری سازمان آمار ایران در سال ۱۳۴۵ مازندران دارای ۱/۸۴۵/۲۷۰ نفر جمعیت بوده که همه آنان یکجانشین و ۷۶/۱ درصد از این جمعیت ساکن روستاها و ۲۳/۹ درصد شهرنشین بودند. (محمودزاده، بی‌تا: ۱۸۴، ۱۰، ۲۱۳) این آمار به مرور و به ویژه با تلاش حکومت پهلوی دوم برای توسعه صنعت توریسم و اجرای برنامه‌های وابسته آن در مازندران دچار تغییر شد و بر شمار شهرها و شهرنشینان افزوده شد. نتیجه این تغییر را می‌توان در آمار سال ۱۳۵۵ مشاهده نمود، طبق سرشماری عمومی این سال، جمعیت شهری مازندران به ۳۲/۵ درصد رسید که در قیاس با سال ۱۳۴۵، روندی صعودی داشت. (فرهنگ آبادیهای کشور، ج ۱۵، ۱۳۵۵)

این آمار جمعیتی گویای وضعیت جغرافیایی مازندران و بافت جمعیت روستایی آن در دهه چهل خورشیدی است. در واقع ساختار جغرافیای طبیعی و انسانی مازندران به گونه‌ای بوده که طی سالیان، زندگی روستایی و اقتصاد کشاورزی در آنجا، غلبه یافته است. (رزم‌آرا، ۱۳۱۷: ۲۷)

زندگی روستائی در مازندران تا پیش از اصلاحات ارضی، بر پایه آنچه که اسماعیل مهجوری مورخ مازندران پژوه به آن اشاره می‌کند دشوار و فاقد امکانات اولیه بود. وی عنوان می‌کند که تا پیش از اصلاحات ارضی در مازندران روستائیان «بیشتر ایام سال را در گرسنگی و تنگدستی به سر می‌بردند.» (مهجوری، ۱۳۴۵: ۳۳۲) اما با اجرای اصلاحات ارضی و تحقق اصول مرتبط با توسعه روستایی در انقلاب سفید، این وضعیت دگرگون شد و زندگی روستائیان مازندران بهبود یافت.

اما علاوه بر اصلاحات ارضی و تحقق اصول انقلاب سفید، اجرای سیاست‌های توسعه گردشگری از اوایل دهه چهل شمسی روند بهبود زندگی معیشتی روستائیان و به دنبال آن تغییر در بافت برخی از روستاها را در این استان تسریع کرد. تصویب قانون تأسیس سازمان جلب سیاحان در اردیبهشت ۱۳۴۲ از جمله اقدامات حکومت پهلوی در توسعه گردشگری در کشور با اهداف اقتصادی بود که به توسعه روستاها و تغییر بافت آنها به شهر کمک کرد.

از آنجا که بخشی قابل ملاحظه از اماکن تاریخی و تفریحی ایران در مناطق حومه شهرها و یا روستاها واقع بود؛ در مفاد دهم تا چهاردهم اساسنامه سازمان جلب سیاحان به منظور توسعه توریسم و گردشگری در روستا بر این موارد تأکید شده بود: «ماده ۱۰- تشویق و ترویج صنایع دستی و هنرهای محلی در روستاها. ماده ۱۱- آماده سازی نقاط بیلاقی و پلاژهای عمومی در روستاها و کنار دریاچه‌ها و رودخانه‌ها برای استفاده مردم شهرستان و استان و دیگر جهانگردان با تأمین آب و وسایل بهداشتی. ماده ۱۲- نظارت بر استفاده از آبهای گرم و آبهای معدنی و تشویق مردم روستاها به ساخت مهمانخانه‌ها و قهوهخانه‌های تمیز و ارزان قیمت در آن نقاط. ماده ۱۳- کوشش در پاکیزگی و نظافت کوچه‌های روستایی که نقاط توریستی می‌شوند یا محل عبور جهانگردان واقع می‌گردد. ماده ۱۴- تشویق مردم روستاهای اطراف نقاط دیدنی و آثار تاریخی به پاکیزگی و خوش رفتاری و ادب و مهمان‌نوازی و احترام نسبت به جهانگردان.» (ساکما، ۹۸-۲۹۳-۱۴۴۸/ص ۱۸۱)

در چنین شرایطی اجرای سیاست‌های توسعه گردشگری در دوران پهلوی دوم مسبوق به سابقه نگاه حاکمان ایران به مازندران بود. زیرا مازندران به واسطه تفاوت‌های زیست بومی با سایر نقاط ایران مورد توجه دولت‌های ایرانی و به عنوان تفرجگاه قرار می‌گرفت. این جذابیت علی‌الخصوص به این دلیل که مازندران از گذشته‌های دور به واسطه تفاوت‌های زیست‌بومی با سایر نقاط ایران مورد توجه حکومت‌گران ایرانی و به عنوان تفرجگاه بود (ساکما، ۶۱۱۹-۹۸-۲۹۳: ۱۳) دو چندان می‌شد. برای نمونه شاه‌عباس صفوی چنین نگاهی به مازندران داشت و وی از مازندران و جذابیت‌های طبیعی آن با عنوان «مازندران بهشت نشان» یاد می‌کرد. (اسکندربگ منشی، ۱۳۸۲، ۱، ۲۵۶)

در میان پاشاهان قاجار فتحعلیشاه به عنوان نخستین شاه قاجار بود که به تعبیر نویسنده کتاب ناسخ التواریخ در سال ۱۲۱۷ ق به تماشای مازندران سفر کرد. (سپهر، ۱۳۵۲: ۲۹۴/۱) در نگاه ناصرالدین شاه قاجار نیز به وضوح مازندران به منزله تفرجگاه تلقی می شد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۰: ۲۱۴) در دوران پهلوی هم مازندران و برخی از شهرهای آن مانند رامسر محل پذیرائی از مهمانان خارجی و مقامات رسمی خارجی بود. به عنوان مثال در سال ۱۳۱۶ ش وزیر امور خارجه ترکیه در جریان سفر خود به ایران به رامسر سفر و در آنجا اقامت کرد. (ساکما، ۱۳۸۲/۳۱۰: ۲) همین شهر در سال ۱۳۲۲ (ساکما، ۱۳۳۴/۲۳۰: ۴۵) و در سال ۱۳۵۲ (ساکما، ۱۳۷۲/۲۳۰: ۷۳) میزبان مقامات خارجی بود که در جریان سفرهای سیاسی و دیپلماتیک خود به ایران از این شهر به واسطه جاذبه گردشگری آن بازدید کردند. با این حال اما این منطقه به واسطه فقدان زیرساخت های گردشگری در توسعه محدود صنعت توریسم با محدودیت مواجه بود. با آغاز دوران پهلوی اول اما شرایط اندکی دچار تغییر شد و امکانات و زیرساخت های حداقلی برای رفاه گردشگران در مازندران ایجاد شد.

علیرغم وجود چنین اقداماتی مازندران اما به واسطه فقدان زیرساخت های گردشگری در نسبت با پتانسیل هایش در جذب گردشگر، در توسعه صنعت گردشگری با محدودیت مواجه بود. در دوران پهلوی تا دهه چهل به طور عمده توسعه صنعت گردشگری در شمال ایران اغلب به واسطه سرمایه گذاری های دربار صورت می پذیرفت. (شجایی - دیوکلائی و حسن نژاد، ۱۴۰۳: ۱۵) در چنین شرایطی متأثر از توسعه گردشگری در دوره پهلوی، برخی از نواحی روستایی و قصبات به شهر تبدیل و بافت آنها شهری شد. صنعت توریسم در تولد شهرها یا به بیانی تغییر بافت روستاها به شهر نقشی اساسی ایفا نمود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

این روند تغییر بافت روستاها به شهر در مازندران با آغاز فعالیت های اداره کل سازمان جلب سیاحان در مازندران و فعالیت های عمرانی آن مانند ساخت راه های، احداث امکان رفاهی عمومی، نوسازی و توسعه فضای شهری در این استان شتاب بیشتری گرفت. به این شکل برخی از روستاهای مازندران از شکل سنتی خود خارج شده و تبدیل به شهر شدند. (ساکما، ۱۳۹۳/۶۱۱۹-۹۸) علاوه بر این دگرگونی، روستائیان که برای قرون متوالی بنا بر پیشه اجدادی خویش به کشاورزی اشتغال داشتند با مشاغل و منابع درآمدی جدید روبه رو شدند که در مقایسه با کشاورزی، آسانتر و البته پردرآمدتر به نظر می رسید. در این شرایط جدید و برپایه گزارش روزنامه کیهان تمایل جوانان روستایی به کار در مشاغل اجدادی روستایی چون کشاورزی، پرورش دام و طیور کاسته شد (کیهان، ۱۳۵۵، ش ۹۸۹۶، ص ۳) و آنان به مشاغل جدیدی چون بوتیک داری، متلداری و مشاغلی از این قبیل سوق داده شدند. (کیهان، ۱۳۵۵، ش ۹۸۹۶، ص ۳)

در میان برنامه‌های حکومت پهلوی دوم برای توسعه توریسم طرح جامع توریستی نواحی دریای خزر یکی از برنامه‌های توسعه توریسم بود که از سال ۱۳۵۲ در مازندران به اجرا در آمد. (ساکما، ۱۵۷/۲۶۴/۸۹: ۳۳۹) برای پیشبرد این طرح و تحقق آن بر اساس فرمان محمدرضاشاه، دخترش شهناز پهلوی به سمت بازرس عمرانی مازندران و گیلان تعیین شد. (روزنامه محلی اثر، ۴ بهمن ۱۳۵۲، س ۲۶، ش ۱۲۹۸) این برنامه‌های توسعه بیشتر نواحی روستایی و حومه شهرهای بزرگ را در بر می گرفت بنابر گزارش روزنامه محلی اثر در بهمن سال ۱۳۵۲ با رضایت عمومی اهالی مواجه همراه بود. (روزنامه محلی اثر، ۴ بهمن ۱۳۵۲، س ۲۶، ش ۱۲۹۸)

اما در کنار نقش توسعه گردشگری با اهداف اقتصادی که در برخی موارد مانند طرح جامع توریستی نواحی دریای خزر که با مداخله و نظارت مستقیم اعضای خاندان سلطنتی همراه بود و به تغییر بافت برخی از روستاها به شهر انجامید؛ توسعه نوعی گردشگری سیاسی با اهداف سیاسی و تبلیغاتی نیز در تغییر بافت و موقعیت برخی از روستاها به شهر در دوران پهلوی دوم نیز نقش داشت. در مورد اخیر نمونه روستای آلاشت در مازندران و تغییر موقعیت آن به شهر یکی از نمونه‌های تأثیر گردشگری سیاسی با اهداف سیاسی تبلیغاتی است که به تغییر موقعیت یک روستا به شهر انجامید. سیاست‌های تبلیغاتی حکومت پهلوی دوم با هدف معرفی رضاشاه مؤسس سلسله پهلوی به عنوان معمار ایران نوین (همبلی، ۱۳۸۸: ۱۹) هر ساله منجر به برگزاری جشن‌های سالگرد تولد وی در اسفند هر سال (ساکما، شناسه - سند ۹۷/۲۹۳/۱۶۳۱۲: ۱) از یک سو و بازدیدهای مقامات داخلی و خارجی از روستای زادگاه رضاشاه از سوی دیگر می‌شد. این بازدیدها با اهداف ایدئولوژیکی و سیاسی و تبلیغاتی آن موجبات شکل‌گیری نوعی گردشگری سیاسی به این روستا را از دهه چهل شمسی فراهم آورد. در چنین شرایط فقدان زیر ساخت‌های گردشگری لازم برای تحقق این مهم، حکومت پهلوی را به فراهم آوردن این زیرساخت‌ها در آلاشت سوق داد. مجموعه اقدامات صورت گرفته به منظور فراهم آوردن زیرساخت‌های گردشگری با اهداف سیاسی - تبلیغاتی در این روستا در تغییر موقعیت روستا آلاشت به شهر موثر بود. بخش مهمی از اقدام‌های صورت گرفته جهت ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و شهری در آلاشت از طریق هیئت عمران و آبادانی آلاشت پیگیری می‌شد که تشکیل این هیئت و اقدامات آن مسأله‌ای است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تشکیل هیئت عمران و آبادانی آلاشت و عملکرد آن

در دهه چهل شمسی آلاشت به عنوان روستایی کوهستانی از توابع شهرستان سوادکوه از نظر عمرانی تحت اداره استانداری مازندران قرار داشت. (ساکما، ۲۶۴-۰۲۵۴۳۵: ۷) این در حالی است که روستای آلاشت و منطقه

سوادکوه به عنوان زادگاه پهلوی اول از همین دهه به واسطه پیوند با خاندان پهلوی و تحت تأثیر سیاست‌های تبلیغاتی حکومت پهلوی دوم در بازنمایی رضاشاه به عنوان پدر ایران نوین که در اقداماتی چون برپایی مراسم زادروز پهلوی اول بروز می‌یافت (همبلی، ۱۳۸۸: ۱۹) مورد توجه ویژه گردشگران واقع شد.

علی‌رغم جلب شدن توجه گردشگران به آلاشت به عنوان یک مقصد گردشگری در سال‌های پایانی دهه ۴۰ این روستا همچنان شرایطی مشابه سایر نواحی روستایی مازندران داشت و فاقد امکاناتی چون جاده، تلفن، آب شرب، برق و امکاناتی از این قبیل بود. این در حالی است که بنابر سنت و تبلیغات دربار، هر ساله در روز ۲۴ اسفند، سال روز تولد رضاشاه، جشن‌هایی در بزرگداشت موسس سلسله پهلوی در روستای زادگاهش آلاشت برگزار می‌شد که شرکت کنندگان این جشن‌ها را غالباً اعضاء خانواده سلطنتی و صاحب‌منصبان دولتی تشکیل می‌دادند. (ساکما، ۱۳۵۴: ۲۶۴-۶)

آلاشت روستای محل تولد رضاشاه پهلوی و خاستگاه اجدادی وی بود و به همین واسطه از توجه ویژه دربار و سایر نهادهای دولتی در زمینه‌های مختلف برخوردار گردید. این برخورداری تنها به خانه محل تولد و اقوام نسبی پهلوی اول محدود نشد؛ بلکه تمامی اهالی آلاشت و فضای فیزیکی این روستا را نیز شامل شد. به عنوان شاهد مثالی از توجه دربار و سایر نهادهای دولتی به روستای آلاشت می‌توان به قرار گرفتن خانه محل تولد رضاشاه و بافت قدیمی روستای آلاشت در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۸۶۷ در سال ۱۳۴۷ توسط وزارت فرهنگ اشاره نمود. (سایت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، <https://www.mcth.ir>) همچنین کتابی در باب فرهنگ عامه آلاشت به چاپ رسید و مطالعه بافت قدیم این روستا مورد توجه قرار گرفت. (پورکریم و بازیار، ۱۳۴۸: ۳۹) تنظیم برنامه تعمیرات بنای زادگاه نیز نخستین بار در ۱۴ فروردین سال ۱۳۵۳ از سوی وزارت فرهنگ مطرح گردید. (ساکما، ۱۳۵۴: ۲۶۴-۱۵)

در دهه ۵۰ با توجه به افزایش هرساله تعداد شرکت کنندگان در مراسم تولد رضاشاه و جشن‌های مربوط به آن، کمبود امکانات جهت برگزاری این جشن‌ها و حضور و اسکان مهمانان شرکت کننده در روستای آلاشت نمایان شد. این شرایط و ناکافی بودن خدمات در روستای آلاشت، موجب اخذ تدابیر ویژه از سوی دربار برای این روستا گردید.

نخستین گام برای افزایش ظرفیت و امکانات در این روستا، ایجاد هیأت عمران و آبادانی آلاشت بود. سال تقریبی تاسیس این هیأت بر اساس قدیمی‌ترین اسناد آرشیوی موجود در سازمان اسناد ملی ایران را می‌توان سال ۱۳۴۹ حدس زد. ریاست این هیئت یرعهد شاهپور غلامرضا پهلوی بود و خود این هیئت به لحاظ ستادی زیر نظر ستاد بزرگ‌ارتشتاران تحت فرماندهی محمدرضاشاه اداره می‌شد. محور اصلی فعالیت این هیئت حفاظت، توسعه و بازسازی آلاشت به عنوان زادگاه پهلوی اول بود. (ساکما، ۱۳۵۴: ۲۶۴-۶) لازم به ذکر است که پیش از تشکیل این هیئت،

پیشنهاد بازسازی بنای زادگاه توسط سازمان حفاظت آثار باستانی در سال ۱۳۴۷ از سوی وزارت فرهنگ نیز مطرح شد؛ اما اقدامات صورت گرفته برای بازسازی زادگاه تنها حدود بیست درصد پیشرفت کرده و از سوی دربار ناکافی به نظر می‌رسید. (ساکما، ۲۵۴۳۵-۲۶۴/ص ۱۵) بر این اساس بود که ضرورت تشکیل هیأت عمران و آبادی آلاشت ایجاب شد.

حفظ و بازسازی بنای زادگاه، برنامه محوری بود که از سوی هیأت عمرانی آلاشت دنبال می‌شد. با نظر موافق دفتر نخست‌وزیری و پیشنهاد سازمان جلب سیاحان استان مازندران، موضوع حفظ بنای زادگاه پهلوی اول در روستای آلاشت مطرح شد. در کنار بازسازی بنای زادگاه، توسعه همه جانبه آلاشت به عنوان یک روستای گردشگری در برنامه کلی مد نظر بود. (ساکما ۱۵۷-۲۶۴-۸۹/ص ۴۴۰)

طرح گردشگری روستای آلاشت طرحی نسبتاً گسترده بود و سازمان‌های مختلف ملی و محلی از اوقاف، آموزش و پرورش، وزارت راه و وزارت آبادانی و مسکن ... را ملزم به همکاری می‌کرد. (ساکما، ۱۵۷-۲۶۴-۸۹/ص ۴۶۲) بر اساس اسناد موجود در مکاتبات اداری دوره زمانی مورد بحث چنین می‌توان ادعا کرد که جدیت در اجرای طرح جامع گردشگری در آلاشت، در هیچ یک از پروژه‌های گردشگری مازندران در عصر پهلوی وجود نداشت. چنین ادعائی را می‌توان در بند نخست صورت جلسه، طرح تشکیل هیأت عمرانی آلاشت مشاهده کرد که در آن: «مقرر گردید جهت پی‌گیری امور عمرانی آلاشت هر هفته روزهای سه‌شنبه ساعت هشت صبح کمیته در استانداری تشکیل شود.» همچنین در صورت کمبود بودجه، مقرر گردیده بود تا به صورت مستقیم از وزارت کشور درخواست حواله شود. (ساکما، ۱۵۷-۲۶۴-۸۹/ص ۴۶۲) در نتیجه تشکیل این هیأت و اقدامات آن بود که تغییر در موقعیت روستایی آلاشت ایجاد شد. این تغییر موقعیت که منجر به شهری شدن روستای آلاشت گردید مسأله‌ای است که در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تغییر موقعیت روستای آلاشت به موقعیت شهری

در دهه ۴۰ شمسی آلاشت روستایی با جمعیتی حدود هزار نفر از توابع سوادکوه بود. در عصر پهلوی دوم تا قبل از تشکیل هیأت عمران آلاشت تصمیمات مرتبط با این روستا، غالباً از طریق انجمن و شهرداری شاهی (قائم‌شهر) و در موارد معدود و البته کم اهمیت‌تر انجمن ده آلاشت اتخاذ می‌شد. (ساکما، ۰۷۴۴۵۶-۲۹۳/ص ۳)

با توجه بافت کاملاً روستایی و البته جغرافیای کوهستانی این منطقه، آلاشت فاقد هرگونه ساختار زیربنایی و امکانات اولیه علی‌الخصوص جهت استفاده گردشگران بود. به همین منظور پروژه‌هایی عمرانی در آلاشت به اجرا درآمد که ضمن رفع این موانع و چالش‌های گردشگری این روستا را برخوردار از موقعیت شهری کرد.

در این راستا برخی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که در آلاشت اجرا و احداث گشت عبارت بودند از ایجاد راه، ایجاد شبکه آب و فاضلاب، مرکز بهداشت، برق، تلفن، باشگاه ورزشی، ژاندارمری، دادگستری ... (ساکما، ۱۵۷-۲۶۴-۸۹/ص ۶۲) اجرای این طرح‌ها به صورت همزمان خالی از هزینه نبود، برای مثال طرح آب و فاضلاب و مرکز بهداشت، با هزینه بالایی به اتمام رسید. «بر اثر تصویب‌نامه کمیته عمران در مورد تکمیل آب و فاضلاب آلاشت مقرر شد ۱۰۵ هزار تومان از پول بهداشت محیط و ۴۵ هزار تومان از موجودی کمیته عمران آلاشت برداشت شود و به اداره کل بهداشتی تحویل شود» (ساکما، ۱۵۷-۲۶۴-۸۹/ص ۶۲).

در واقع روستای آلاشت تا پیش از اجرای این طرح‌ها دارای ابتدایی‌ترین امکانات زندگی بود. اما به واسطه اجرای این طرح‌ها برای توسعه گردشگری با اهداف سیاسی دگرگون شد. طرح تبدیل روستای آلاشت به مرکز توریستی، هرچند بافت سنتی و روستایی آلاشت را دچار تغییر نمود، تبعات زیست‌محیطی با خود به همراه داشت (صدای مازندران، ۱۳۳۰، س ۱، ش ۸۰) و انحصار دولت بر اراضی جنگلی آلاشت را به همراه آورد؛ (ساکما، ۱۴۳۱۷-۲۳۰ / ص ۱۵) اما با استقبال بسیاری از سوی روستائیان آلاشت همراه شد. (ساکما، ۰۷۴۴۵۶-۲۹۳ / ص ۱۷) عموم جامعه روستایی از بهبود سطح زندگی خود در نتیجه توسعه گردشگری رضایت داشتند (ساکما، ۰۳۷۸-۲۳۰ / ص ۲) و با آن موافق بودند. (ساکما، ۷۵۴۵۴-۲۹۳ / ص ۱) توسعه گردشگری در آلاشت که به شهری شدن موقعیت این روستا منجر شد خود محصول اجرا و احداث برخی زیر ساخت‌های عمرانی مانند احداث راه آسفالت بود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱- احداث راه آسفالت به آلاشت

وجود راه‌های مناسب اصلی و فرعی از عوامل مهم در توسعه گردشگری است که اغلب استان‌های ایران در دوران پهلوی دوم از آن برخوردار نبودند. مازندران نیز در دوره زمانی مورد بحث از این نابرخورداری مستثنی نبود. در مناطق روستائی مازندران اما فقدان و نامناسب بودن راه دارای شرایطی به مراتب بدتر و نابرخوردارتر بود. خرابی جاده‌های مازندران و باتلاقی بودن آن، در دهه بیست و سی مورد انتقاد برخی نشریات محلی قرار گرفته بود. به عنوان مثال روزنامه محلی مازیار در یکی از شماره‌های خود در آبان ماه از وضعیت بد راه‌ها در مازندران انتقاد کرد. « بارندگی‌های ممتد اخیر مازندران همه جاده‌ها را غیرقابل عبور ساخته است... الآن جاده‌های بابل-آمل و بابل-شاهی، بابل-

بابلسر و بابل-تهران و شاهی- ساری و جاده‌های کناره همه به طور باتلاقی در آمده است...» (مازیار، ۷، آبان ۱۳۳۰، س ۳، ش ۳۵) متأثر از چنین وضعیتی بود که در دهه چهل پس از بهبود شرایط اقتصادی کشور، اصلاح وضعیت راه‌ها در استان مازندران به یکی از مطالبات محلی تبدیل شد.

در اصول کلی سیاست گردشگری در دوره پهلوی دوم به توسعه و احداث جاده‌های اصلی و فرعی توجه فراوان شده بود. این توجه به توسعه راه‌ها برای توسعه گردشگری علی‌الخصوص در استان مازندران به اندازه‌ای بود که سازمان جلب سیاحان استان به عنوان متولی اصلی توسعه گردشگری در صدد بود تا جهت توسعه راه‌های اصلی و فرعی منتهی به مناطق گردشگری از توان مالی و اقتصادی بخش دولتی و خصوصی به صورت هم زمان استفاده کند. شاهد مثال چنین ادعائی را می‌توان در بند ۸ اساسنامه سازمان جلب سیاحان مشاهده کرد که سازمان جلب سیاحان مازندران در مکاتبه با استانداری این استان در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۴۸ به آن اشاره کرده بود. در این بند از اساسنامه سازمان جلب سیاحان عنوان شده بود که: «کوشش در ساختن راه‌های فرعی از مراکز شهرها به روستاهایی که دارای آثار تاریخی و مناظر طبیعی ... سرچشمه آبهای گرم و معدنی هستند با مراکز شهری یا با تشویق سرمایه‌گذاری موسسات خصوصی یا با کمک وزارت راه» صورت گیرد. (ساکما، ۰۱۴۴۸-۲۹۳-۹۸/ص ۱۸۱)

در اصول کلی که برای سازمان جلب سیاحان تعیین شده بود، کوشش در ساخت راه‌های فرعی و روستایی لحاظ شده بود. (ساکما، ۰۱۴۴۸-۲۹۳-۹۸/ص ۱۸۱) همچنین وزیر راه از اعضای شورای مشورتی بود که در زمینه توسعه گردشگری ایجاد شده بود. (ساکما، ۰۰۰۷۶۹-۲۶۴-۹۷/ص ۶)

از جمله پیشنهادات متعدد مرتبط با احداث و توسعه شبکه ارتباطی شمال، پیشنهادی بود که در سال ۱۳۴۵ توسط مهندسین مشاور مرتبط با سازمان جلب سیاحان مطرح شد. در این طرح پیشنهادی ۵ محور لحاظ شده بود. ۱- بهسازی راه‌های ارتباطی منطقه با سایر نقاط، به ویژه مرکز. ۲- احداث شاه‌راه‌های سراسری در منطقه. ۳- توسعه جاده ساحلی موجود و ایجاد راه‌های ارتباطی جدید. ۴- ترمیم و توسعه و احداث شاهراه بین بابلسر، علمده، بهشهر. ۵- ایجاد راه‌های فرعی. (ساکما، ۰۳۹-۲۶۴-۸۹/ص ۱۳۱) در واقع مقصود از جاده فرعی، همان مسیرهای منتهی از جاده‌های بین شهری و شهرها به روستاها بود.

در نتیجه ساخت چنین جاده‌ها و راه‌های درون و برون شهری در مازندران بود که، شماری از روستاها در مازندران تبدیل به شهر شدند. فریدونکنار، محمودآباد، بلده و متلقو از جمله روستاهائی بودند که در نتیجه این توسعه شبکه راه‌ها در استان مازندران متأثر از سیاست‌های توسعه گردشگری تبدیل به شهر شدند. در واقع این نقاط، حیات شهری خویش و تبدیل شدن از روستا به شهرها را مرهون توسعه صنعت گردشگری در استان مازندران می‌باشند.

از این قاعده روستای آلاشت در استان مازندران در منطقه سوادکوه مستثنی نبود. نکته مهم در مور آلاشت و تبدیل شدن آن از روستا به شهر در نتیجه توسعه شبکه راه‌ها تحت تأثیر تلاش حکومت برای توسعه گردشگری سیاسی، در پیش‌رو بودن آلاشت نسبت به سایر روستاهای تبدیل شده به شهر در نتیجه این سیاست توسعه گردشگری در استان مازندران است.

نخستین تکاپوها برای احداث و توسعه راه به آلاشت با هدف دستیابی گردشگران به این منطقه در سیاست‌های حکومت پهلوی دوم با هدف در دسترس قرار دادن این روستا برای بازدید گردشگران از زادگاه رضاشاه در سال ۱۳۳۵ اتفاق افتاد. این تکاپو پیشنهاد اولیه احداث راه آسفالت به روستای آلاشت در این سال بود. در نتیجه این پیشنهاد بود که در ۲ دی ۱۳۳۵ قراردادی میان سازمان برنامه^۱ و شرکت ورسک منعقد شد که بر اساس آن مقرر شد تا این شرکت به احداث راه برای دسترسی آسانتر به آلاشت اقدام کند. پس از انعقاد این قرارداد اگرچه از سوی سازمان برنامه‌مراحلی چون تحویل نقشه و سیمان به شرکت ورسک به عنوان پیمانکار در سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ صورت گرفت؛ اما این شرکت در نهایت موفق به انجام این کار تا سال ۱۳۳۸ نشد و در عمل، آغاز به کار احداث این راه تحت نظارت اداره کل راه استان مازندران در سال ۱۳۳۸ توسط شرکت ورسک به طور رسمی آغاز شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵ / صص ۱۸، ۳۵)

همان گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد یکی از اهداف اصلی احداث این راه کارکرد گردشگری آن به منظور دسترسی آسان گردشگران به روستای زادگاه پهلوی اول از طریق اتصال این روستا به راه فیروزکوه بود. در کنار این هدف اهداف دیگری چون اتصال آبادی‌های منطقه، تسریع در انتقال محصولات کشاورزی منطقه به بازارهای فروش و تسهیل در رفت و آمد اهالی نیز مد نظر بود. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۳۵ / ص ۵) مبلغ قرارداد برای ساخت راه آلاشت ۱۵ میلیون ریال تعیین شده بود که ۵ میلیون ریال از این مبلغ به ساخت پل‌های مسیر و مابقی آن به ساخت راه اختصاص داشت. در قرارداد اولیه، ساخت راه درجه ۳ کوهستانی مورد نظر بود؛ اما با شروع پروژه، شرکت پیمانکار با دشواری‌هایی چون احتمال وقوع سیلاب‌های عظیم از طریق رودخانه‌های واقع در مسیر مواجه گشت. ساخت پل‌هایی بزرگ و مقاوم در برابر سیلاب بخش عمده بودجه اولیه را به خود اختصاص داد. تعداد ۱۳ پل بر روی رودخانه‌های مسیر آلاشت ساخته شد. بزرگترین پل مقاوم در برابر سیلاب بر روی رود طلار در ابتدای راه احداث شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵ / صص ۵۲، ۴۱)

سازمان برنامه در دوران پهلوی دوم به عنوان نهاد اصلی تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران عمل میکرد. این سازمان با سازمان
^۱ - برنامه و بودجه فعلی متفاوت است.

در طرح اولیه اگرچه احداث راهی به طول ۴۰ کیلومتری پیش بینی شده بود؛ اما این پیشبینی محقق و عملی نشد و آنچه که در عمل محقق گردید یک دهم هدف مورد پیشبینی بود که منتج به احداث ۴ کیلومتر نخست راه آلاشت توسط شرکت ورسک در سال ۱۳۴۰ شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵ / صص ۴۱، ۴۲) در محقق نشدن این هدف مشکلات مالی و موانع طبیعی نقش مهمی داشت. در نتیجه همین مشکلات مالی و ناتوانی شرکت در مدیریت منابع مالی پروژه بود که شرکت ورسک در روند اجرای پروژه دچار بدهی زیادی شد. در نتیجه بوجود آمدن این بدهی برای شرکت راهسازی ورسک بود که وجه الضمان شرکت در نزد سازمان برنامه مصدوره شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۸۰۰۱ / ص ۵) در ادامه اما مابقی پروژه به دلیل مشکلات مالی و ناکافی بودن بودجه اختصاص یافته و البته ریزش سنگ از کوه مدتی متوقف شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۵۰ / صص ۱۶، ۳۵)

استفاده اولیه و البته یک طرفه از جاده نیمه‌کاره آلاشت در سال ۱۳۴۰ پس از نامه‌نگاری اهالی آلاشت آغاز شد. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵۰ / ص ۲۴) البته پیش از این، در سال ۱۳۳۸ به طور محدود با عبور کامیون‌های حمل ذغال‌سنگ از معادن منطقه موافقت شده بود. اما اکثریت اهالی روستای آلاشت در طول ساخت جاده به دلیل انسداد مسیر با مشکلات عدیده آمد و شد مواجه بودند. در نتیجه همین مشکلات بود که در بخشی از مکاتبه اهالی روستای آلاشت به سازمان برنامه، به مشکلات چندساله این روستا ناشی از انسداد جاده منتهی آن به واسطه نیمه‌کاره ماندن ساخت راه اشاره شد. در واقع انسداد راه به مانع جدی در برخورداری این روستا از امکانات رفاهی تبدیل شده بود. در بخشی از این مکاتبه آمده بود: «تلاش چندین ساله اهالی آلاشت جهت توجه مقامات عالی و مسئولین دولتی برای ایجاد تأسیسات بهداشتی، فرهنگی، کشاورزی به منظور بهبود زندگی اهالی به مانع مصادف می‌شود چون راه نیست.» (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵۰ / صص ۲۰، ۲۴)

با گشایش یک طرفه راه آلاشت در سال ۱۳۴۰، نقایص و ایرادات جاده نمایان شد و این نقاط ضعف به تأیید هیئت نظارت سازمان برنامه رسید. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۱۱۰۵ / صص ۴، ۵، ۷) در سال ۱۳۴۶ پروژه‌های دیگر با اعتبار ۱۰ میلیون ریال، جهت ادامه و اصلاح طرح پیشین به اجرا درآمد. در این طرح ترمیمی، آسفالت راه زیرآب به آلاشت برای تسهیل تردد مورد توجه قرار گرفته بود. (ساکما، ۲۲۰-۰۰۹۷۴۳۷ / ص ۳)

راه فیروزکوه که مسیر اصلی اتصال سوادکوه، به ویژه روستای آلاشت به تهران بود، خالی از نقص نبود. این راه در دهه ۵۰ مورد بازسازی و تعریض قرار گرفت، همچنین چندین پل دیگر در این مسیر احداث گردید. (اثر، ۱۳۵۱، س ۲۳، ش ۱۰۹۳) طرح جدید که تکمیل‌کننده پروژه اولیه راهسازی در روستای آلاشت بود بسیاری از نقایص پیشین را برطرف نمود و به توسعه بخش بیشتری از راه روستایی آلاشت انجامید. توسعه این راه نقشی محوری در تسهیل آمد و شد به آلاشت و معرفی آن به عنوان یک روستای مقصد گردشگری داشت.

توسعه راه به منظور سهولت دستیابی گردشگران به آلاشت و تأثیر آن بر رشد گردشگری در این روستا تنها عامل در رشد گردشگری و تبدیل شدن آن به شهر در نتیجه رشد گردشگری نبود. در تحقق این مهم افزایش امکانات رفاهی توسط حکومت پهلوی به منظور رفاه حال اهالی و گردشگران نیز موثر بود که این مسأله در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- ایجاد امکانات رفاهی در آلاشت

بی‌شک پس از راه، خدمات رفاهی چون آب شرب، برق و تلفن از امکانات اولیه زندگی محسوب می‌شود. طی دهه ۵۰ کمیته عمران آلاشت به ریاست غلامرضا پهلوی، نقش اصلی در ایجاد امکانات رفاهی در روستای آلاشت داشت. در واقع استانداری مازندران و وزارتخانه‌ها در هماهنگی کامل با تصمیمات این کمیته عمل می‌کردند. شاهد مثال چنین ادعائی را می‌توان در مکاتبه استانداری مازندران و شرکت مخابرات ایران در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۵۱ مشاهده کرد که در آن با تأکید بر لزوم هماهنگی ادارات با کمیته عمران آلاشت عنوان شده بود. «به منظور بزرگداشت مقام باعظمت رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین، کلیه موسسات اداری کشور برای نوسازی قریه آلاشت زادگاه پرافتخار ناجی ایران عزیز اقدامات وسیعی را به اجرا گذارده ... شرکت مخابرات نیز باید بر اساس این انگیزه در اجرای برنامه مخابراتی این قریه عمل نماید، جنبه جلب منافع مادی به هیچ وجه نباید منظور نظر آن شرکت در اجرای این هدف عالیه ملی باشد... با توجه به مراتب فوق دستور فرمایید نسبت به تأسیس تلفن آلاشت اقدامات اساسی مبذول داشته و نتیجه آن را اعلام نمایید.» (ساکما، ۰۷۴۴۰۳-۲۹۳-ص ۲۳)

یافته‌های پژوهش از لابلای اسناد و مکاتبات اداری نشان می‌دهد که اجرای طرح‌های عمرانی فوق در آلاشت، تحت نظارت مستقیم کمیته عمران آلاشت و شخص نخست‌وزیر صورت می‌گرفت. (ساکما، ۹۱۱۹-۲۲۰-ص ۴۴) و حتی دربار هم به صورت غیرمستقیم بر جریان توسعه آلاشت نظارت داشت؛ انتصاب غلامرضا پهلوی به کمیته عمران آلاشت و ملزم نمودن سازمان‌ها برای همکاری در این زمینه، اثبات کننده این مدعا است. (ساکما، ۷۱۳۹۶-۲۹۳-صص ۱۲، ۱۵) اجرای این طرح‌ها منجر به بهسازی و برخورداری آلاشت از امکاناتی چون راه، برق، آب، تلفن و نهادهایی چون شهرداری گردید. (ساکما، ۴۰۸۰۳-۲۹۳-۹۶ / ص ۷؛ ساکما، ۲-۲۶۴-۸۹ / ص ۲۰۵) که این تغییرات نمادی از تغییر در موقعیت روستایی آلاشت به موقعیت شهری بود.

در میان اقدامات عمرانی صورت گرفته در آلاشت، تأمین آب شرب لوله‌کشی شده یکی از اقدامات عمرانی صورت گرفته توسط حکومت پهلوی دوم در راستای سیاست توسعه گردشگری سیاسی بود که در تغییر موقعیت آلاشت از روستا به شهر موثر بود. برای تحقق این مهم از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۳ مکاتبات رسمی و غیررسمی متعددی توسط ارگان‌هایی چون استانداری و شورای روستای آلاشت جهت تأمین آب لوله‌کشی در جریان بود. (ساکما، ۱۷۰۰۹-۲۲۰)

ص ۲۳، ۸۷). در سال ۱۳۵۲ سازمان برنامه در مسأله تامین آب شرب لوله‌کشی آلاشت مداخله کرد و طی مکاتبه‌ای از سوی معاون برنامه بودجه به استاندار مازندران ذیل عنوان «تامین آب شرب قریه آلاشت زادگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر» (ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۲۰ / صص ۶، ۸) مسأله تامین آب شرب برای آلاشت را پیگیری کرد. این نخستین بار بود که سازمان برنامه و بودجه برای آبرسانی به یک روستای کوهستانی مستقیماً مداخله می‌کرد. مسئولیت اجرای این طرح با وزارت آب و برق بود که از ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۲ به اجرا درآمد. (ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۲۰ / ص ۶)

در کنار آب شرب تامین برق روستای آلاشت نیز از سال ۱۳۴۹ به صورت جدی و تحت هدایت شرکت برق منطقه ای مازندران آغاز شد. طرح برق‌رسانی در سال ۱۳۵۱ به پایان رسید و مورد استفاد عمومی اهالی آلاشت قرار گرفت. (ساکما، ۲۰۹-۳۷۰-۸۹ / صص ۲، ۷۰، ۷۳)

پس از آب شرب و برق، ایجاد خطوط تلفن در آلاشت توسط شرکت مخابرات یکی دیگر از اقدامات عمرانی صورت گرفته در آلاشت بود. برگزاری مراسم سالانه بزرگداشت پهلوی اول و حضور مسئولان کشوری و لشگری در این روستا جهت شرکت در این مراسم، وجود خطوط تلفن را در آلاشت ضروری می‌کرد. اهمیت و ضرورت این کار به اندازه‌ای بود که شرکت مخابرات ایران، به طور مستقیم طرح اتصال روستای آلاشت به خطوط تلفن کشوری را دنبال می‌کرد. در سایه همین پیگیری بود که شرکت مخابرات ایران از استاندار مازندران خواسته بود که اهالی آلاشت را به ثبت نام برای دریافت خط تلفن ترغیب نماید. (ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۹۳ / ص ۷)

برای تحقق این مهم اداره کل مخابرات مازندران در سال ۱۳۵۱ از طریق زیرآب، خط تلفن آلاشت را به شبکه تلفن کشور متصل کرد. (ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۹۳ / ص ۱۴) پس از آن در سال ۱۳۵۳ نیز مرکز تلفن آلاشت تأسیس شد و از متقاضیان خط تلفن با شرایطی ویژه، ثبت نام به عمل آمد. هزینه سیم‌کشی تلفن در همه نقاط کشور ۵ هزار ریال بود؛ اما در طرح ویژه برای آلاشت، سه هزار ریال لحاظ شده بود که به صورت اقساط برای اهالی این روستا انجام گرفت. دلیل قائل شدن چنین امتیاز ویژه را می‌توان در مکاتبه مابین وزارت کشور و وزارت پست تلگراف و تلفن به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۵۱ مشاهده کرد که در آن عنوان شده بود که این شرایط برای اهالی روستای آلاشت «به منظور بزرگداشت مقام رضاشاه کبیر» (ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۹۳ / صص ۲۶، ۲۰، ۱۵) در نظر گرفته شده بود.

اقدامات عمرانی رفاهی در جهت تامین آب شرب لوله‌کشی، برق و تلفن از امکانات رفاهی اساسی بود که در جلب گردشگران به زادگاه پهلوی اول موثر بود. به ویژه تلفن که مسیر برقراری ارتباط برای مسافران با پایتخت محسوب می‌شد. همه این موارد طبق دستور استانداری با حمایت وزارت کشور، در زمانی نسبتاً کوتاه برای ساکنین روستای آلاشت راه‌اندازی گردید.

در کنار این اقدامات عمرانی و ارائه خدمات رفاهی از این دست طرح معماری جدید در روستای آلاشت از دیگر عوامل موثر بر تغییر موفقیت آلاشت از روستا به شهر بود که در راستای سیاست توسعه گردشگری سیاسی حکومت پهلوی دوم صورت می‌گرفت که این مسأله در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- طرح جدید معماری آلاشت

برخورداری از شرایط محیطی و ایجاد جذابیت برای گردشگران یکی از مهمترین ضرورت‌ها و الزام‌های مقاصد گردشگری جهت جذب گردشگران است. از این شرایط روستای آلاشت جهت جذب گردشگر سیاسی برای بازدید گردشگران از روستای زادگاه پهلوی اول برخوردار نبود. به همین دلیل و به منظور فراهم کردن شرایط و امکان اسکان گردشگران، تغییر در این بافت معماری در کنار حفظ بافت تاریخی آن ضروری بود. در چنین شرایطی بازسازی، نوسازی و حفاظت از بافت قدیم آلاشت جهت توریستی و گردشگر پذیر کردن این روستا مورد توجه قرار گرفت. کارفرمای این طرح وزارت مسکن و شهرسازی بود و اجرای طرح به شرکت مهندسين مشاور امانت و همکاران^۱ واگذار شده بود. لازم به ذکر است که نام مهندس حسین امانت به عنوان معمار این طرح بارها در اسناد تکرار شده است. انتخاب حسین امانت معمار سرشناس معاصر برای اجرای این طرح گویای اهمیت بازسازی و نوسازی آلاشت به عنوان زادگاه پهلوی اول بود.

طرحی که بر اساس آن مقرر شده بود تا بافت آلاشت بازسازی، نوسازی و حفاظت شود با نام خدمات نوسازی آلاشت در پنج بخش تعریف شده بود. (ساکما، ۱۳۵۵-۲۲۰/صص ۳، ۲۹، ۲۷) این پنج بخش که بر اساس آن شرکت مهندسين مشاور امانت وظیفه داشت روستای آلاشت را بازسازی، نوسازی و حفاظت کند شامل ۱- مطالعات بافت قدیم، ۲- بررسی اقدامات لازم برای احیاء آلاشت، ۳- مطالعه و بررسی وضع زادگاه رضاشاه در ارتباط با بافت قدیمی و محیط سنتی، ۴- مطالعه تأسیسات آبرسانی و دفع فاضلاب، برق، تلفن و ۵- نظارت بر کار اجرایی بود. (ساکما، ۲۲۰-۱۳۵۵/ص ۲۸)

شرکت امانت وظیفه داشت در مرحله نخست با شناسایی بافت قدیم آلاشت، نقشه شبکه ارتباطی روستا را با توجه به این بافت تهیه نمایند. همچنین، زمین‌های آزاد روستا برای احداث ساختمان‌های جدید در جهت توسعه روستای آلاشت را شناسایی نماید. در مرحله دوم، تهیه و ترسیم نقشه نوسازی بافت قدیم باید لحاظ می‌شد. در این مرحله مسائلی چون تعمیرات نما، سقف ابنیه، آسفالت و سنگفرش محلات قدیمی، تعبیه سرویس‌های بهداشتی جدید

این شرکت متعلق به حسین امانت معمار سرشناس بود. امانت پروژه‌هایی چون برج آزادی (شهید)، دانشکده مدیریت و بازرگانی دانشگاه تهران،^۱ - ساختمان های اولیه دانشگاه صنعتی شریف، ساختمان مرکز صنایع دست، ساخت موزه پاسارگاد و ... را به اجرا در آورده بود.

برای منازل مسکونی قدیم مد نظر بود. مرحله سوم نیز به احداث مراکز خدماتی جدید مانند مراکز بهداشت و درمان، ورزشی و تفریحی، آموزشی، گردشگری، اقتصادی، تولیدی، رفاهی و غیره اختصاص داشت. مرحله چهارم طرح به طور کامل به بازسازی زادگاه پهلوی اول مربوط می‌شد. و در نهایت مرحله پنجم نیز به تکمیل تأسیسات آبرسانی، برق، فاضلاب و غیره اختصاص یافته بود. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/صص ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱)

همخوانی طرح نوسازی با نمای قدیمی روستا و انتقال ابزار مکانیکی به روشی که آسیبی به بافت قدیم وارد نگردد، از جمله دغدغه‌های مسئولان امر بود که بارها در متن قرارداد به آن اشاره شده بود. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/صص ۲۹) شرکت مجری موظف بود که آزمایش زمین، خاک و مصالح را از طریق آزمایشگاه خاک وزارت راه انجام دهد. همچنین به صورت مرتب گزارشی جامع، حرفه‌ای و استاندارد از فعالیت خود ارائه دهد. دریافت حق‌الزحمه شرکت مهندسی امانت وابسته به ارائه گزارش و نظارت دقیق در مراحل مختلف کار بود. به عنوان مثال ۲۵ درصد از حق‌الزحمه پس از گزارش مرحله اول به شرکت مهندسین مشاور امانت پرداخت شد. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/صص ۴، ۱۱، ۱۹، ۲۱)

با توجه به اهمیت طرح نوسازی آلاشت، بودجه قابل توجهی برای آن لحاظ شده بود. در مرحله نخست یعنی پس از ارائه گزارش و تهیه نقشه اولیه، مبلغ ۲۰/۳۹۴/۰۰۰ ریال به شرکت امانت به عنوان مجری طرح پرداخت گردید. مبلغ دوم بودجه پرداختی ۲۶/۴۲۷/۰۰۰ ریال و آخرین وجه پرداختی به شرکت مجری ۵/۹۲۹/۰۰۰ ریال بود. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/صص ۳۴)

از نکات مهم این طرح، معماری همسان تمامی ابنیه اعم از دولتی، خصوصی، مسکونی ... در هر دو شکل قدیم و جدید آن بود. تعمیرات نما، سقف ابنیه، کوچه‌های قدیم و جدید باید در هماهنگی کامل صورت می‌گرفت. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/صص ۳۴) با نظر کارشناسان مقرر گردید تا سقف تمام ساختمان‌ها، اعم از قدیمی و جدید در محوطه آلاشت چوبی باشد و چوب مورد نیاز نیز از منطقه جنگلی مجاور تهیه شود. (۱۵۷-۲۶۴-۸۹/صص ۴۵۰؛ (ساکما، ۱۲۶-۲۹۳-۳۲۳/صص ۴)

شرکت مهندسین مشاور امانت به عنوان مجری طرح موظف بود تا جای ممکن با استفاده از امکانات و فضای بافت قدیم، فرایند بهسازی در آلاشت را انجام دهد. در مورد فضاهای جدیدی که با توجه به شرایط زندگی مدرن، احداث آن در آلاشت ضروری به نظر میرسید؛ شرکت وظیفه داشت تمام همت خویش را برای هماهنگی و استفاده از اراضی بلااستفاده به کار بندد. شرکت امانت با توجه به گستردگی طرح آلاشت و انتظاری که از نتیجه این طرح می‌رفت، نقشه‌های متعددی از بخش‌های مختلف آلاشت تهیه کرد تا ضریب خطا را به حداقل برساند. نقشه مرمت،

نقشه اهمیت تاریخی، نقشه تسهیلات روستایی، نقشه فضای تجاری از جمله این نقشه‌هایی بودند که با هدف کاهش ضریب خطا ترسیم شدند. (ساکما، ۱۸۵۵۵-۲۲۰/ص ۴۲)

در کنار بازسازی، نوسازی و محافظت از بافت آلاشت، تأسیس موسسات مدنی و اداری از دیگر اقدامات صورت گرفته در این روستا به منظور ایجاد تسهیلات برای گردشگران بود که این مسأله با توجه به تأثیر آن در تغییر موقعیت آلاشت از موقعیت روستایی به موقعیت شهر در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- تأسیس موسسات مدنی و اداری در آلاشت

با توجه به ضرورت تغییر کالبدی و کارکردی روستای آلاشت و دستیابی به اهداف گردشگری سیاسی آنایجاد برخی موسسات مدنی و اداری در این روستا ضروری به نظر می‌رسید. در دوره پهلوی دوم روستای آلاشت همانند بسیاری از روستاهای استان مازندران فاقد بسیاری از امکانات و موسسات مدنی و اداری بود. در چنین شرایطی در دهه پنجاه طی مکاتبات متعدد از سوی ساکنان آلاشت با دربار، این روستا از برخی امکانات و موسسات مدنی برخوردار گشت. (ساکما، ۳۴۴۱-۲۰۰/ص ۳)

تغییر کالبدی آلاشت و برخورداری آن از برخی موسسات مدنی و اداری، زمینه تغییر موقعیت این روستا به شهری کوچک را فراهم نمود. یکی از اقدامات مهم در این زمینه، تأسیس شهرداری آلاشت در ۱۳ بهمن ۱۳۵۳ بود. (ساکما، ۲۹۳-۱۲۶۳۲۲/ص ۳) شهرداری آلاشت پس از شروع به کار، نقشی محوری در اجرای طرح توسعه آلاشت داشت.

در کنار شهرداری، پاسگاه ژاندارمری در سطح فرماندهی گروهان از دیگر موسسات ضروری بود که در آلاشت ایجاد شد. (ساکما، ۲۹۳-۰۷۴۴۵۶/صص ۷، ۹) تأسیس دادگستری در ۲۹ خرداد ۱۳۵۲ و همچنین بانک تعاون کشاورزی نیز در آلاشت در راستای تأسیس موسسات مدنی و اداری در آلاشت صورت گرفت که در تغییر موقعیت این روستا به شهر موثر بود. (ساکما، ۲۹۳-۰۷۴۴۵۶/ص ۳)

در کنار تأسیسات مدنی و اداری مورد نیاز آلاشت و ساکنان آن، برخی امکانات و تأسیسات فرهنگی ورزشی نیز در این روستا ایجاد گردید. در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ به صورت پیوسته تأسیسات ورزشی در آلاشت ایجاد شد. (ساکما، ۲۸۳۳-۲۳۴/صص ۵، ۱۲) در سال ۱۳۵۳ یک مهدکودک و کتابخانه در آلاشت تأسیس شد که تأسیس آنها در سکونتگاه جمعیتی در ابعاد آلاشت اتفاقی قابل توجه بود. (ساکما، ۶۹۲۳۹-۲۳۹/صص ۱۴، ۴۰) همچنین در سال ۱۳۵۶ یک غسالخانه نوین و مطابق با اصول بهداشتی مدرن در آلاشت احداث شد. (ساکما، ۵۹۲۴-۲۹۷/صص

شروع به کار تمامی این موسسات مدنی و اداری در روستای آلاشت و حوالی آن، شکل ظاهری و موقعیت آن را تغییر داد. وجود چنین امکاناتی دو وجه داشت، نخست برخورداری اهالی آلاشت از امکانات رفاهی و دوم فراهم شدن امکاناتی جهت حضور گردشگرانی که سالانه برای مراسم بزرگداشت پهلوی اول به آلاشت می آمدند. برپایی مراسم بزرگداشت پهلوی اول از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ در آلاشت، نقشی محور به جلب نظر مسافران به آلاشت داشت. (ساکما، ۶۲۹۴۸-۲۹۳/صص ۵، ۴۳، ۱۱۰) بر این اساس چنین می توان عنوان نمود که ضرورت ایجاد اقدامات عمرانی و تاسیس موسسات رفاهی و مدنی با هدف تسهیل گردشگری سیاسی در روستای آلاشت به عنوان زادگاه موسس سلسله پهلوی که در سیاست های تبلیغاتی این حکومت به عنوان پدر ایران نوین معرفی می شد؛ موجب تغییر موقعیت و نه بافت آلاشت از موقعیت روستایی به موقعیت شهری شد.

نتیجه

مازندران طی قرون متمادی و حتی تا عصر پهلوی، همواره به عنوان استانی با اقتصاد روستایی شناخته می شد. این روند اما از آغاز دهه چهل خورشیدی دچار دگرگونی تدریجی شد. عواملی چند در این تغییر بنیادین اثرگذار بودند. از جمله این موارد می توان به سیاست های حکومت پهلوی دوم در حوزه توسعه صنعت گردشگری در این استان اشاره نمود. شمال ایران به ویژه مازندران در سیاست های نوین پهلوی دوم با توجه به بافت جغرافیایی و مجاورت با کوه، دریا و جنگل به عنوان یکی از قطب های گردشگری مورد تعریف قرار گرفت.

سیاست توسعه گردشگری در مازندران، علاوه بر شهرها، روستاهای ساحلی، جنگلی و حتی کوهپایه ای را نیز تحت تأثیر قرار داد. در دهه چهل و پنجاه بسیاری از روستاهای مازندران با الهام از شرایط جدید به روستاهایی گردشگری تبدیل شدند که پدیده ای نو به نظر می رسید. از جمله این روستاها، روستای آلاشت در منطقه سوادکوه بود که در نتیجه سیاست گردشگری از حیث موقعیت و ساختار اداری دچار تغییر شد. آلاشت زادگاه پهلوی اول بود و این امر در روی آوردن اقبال به آن اثرگذار بود.

برگزاری هر ساله مراسم و جشن های بزرگداشت پهلوی اول در آلاشت به عنوان زاده گاه او با هدف معرفی رضاشاه به عنوان پدر ایران نوین با هدف کسب مشروعیت سیاسی برای حکومت پهلوی با حضور سال افزون مهمانان خارجی و داخلی در این مراسم و جشن ها همراه بود. در چنین شرایطی آلاشت به مقصدی گردشگری تبدیل شد که بواسطه پیوند اهداف این گردشگران با اهداف سیاسی و تبلیغاتی حکومت پهلوی دوم تبدیل به محل برای جذب گردشگران سیاسی شد.

در این میان اما فقدان امکانات اولیه زیرساختی و همچنین نبود امکانات لازم برای اسکان و اقامت این گردشگران در آلاشت زمینه ساز بروز چالش برای حضور این گردشگران از یک سو و محقق نشدن اهداف سیاسی و تبلیغاتی حکومت پهلوی از سوی دیگر گردید. نبود شبکه راه مناسب جهت اتصال آلاشت به جاده فیروزکوه و تهران و نبود تلفن به عنوان ارکان‌های و ابزارهای ارتباطی توسعه گردشگری و همچنین نبود امکانات رفاهی چون آب شرب لوله‌کش، برق و فقدان تأسیسات رفاهی مدنی و اداری از جمله موانع و چالش‌های موثر بر رونق گردشگری سیاسی در روستای آلاشت در سیاست‌های تبلیغاتی حکومت پهلوی بود.

به همین منظور و جهت رفع این موانع بود که حکومت پهلوی دوم به منظور ایجاد تسهیل و رفع موانع در این حوزه دست به اقداماتی زد که حاصل آن اجرای طرح‌های عمرانی مانند احداث راه، ارائه خدمات رفاهی مانند برق، آب شرب لوله‌کش و احداث خط تلفن، پیاده سازی طرح جدید معماری آلاشت و در نهایت ایجاد موسسات مدنی و اداری مانند کودکستان، کتابخانه، غسالخانه، شهرداری، ژاندارمری، دادگستری ... در بازه زمانی دهه‌های چهل و پنجاه هجری شمسی بود که نتیجه آن منجر به تغییر موقعیت و نه بافت آلاشت از موقعیت روستایی به موقعیت شهری بود.

منابع و مأخذ

اسناد:

- ساکما، ۳۹-۲۶۴-۸۹.

- ساکما، ۱۵۷-۲۶۴-۸۹.

- ساکما، ۱۴۰-۲۶۴-۸۹.

- ساکما، ۲۰۳-۲۶۴-۸۹.

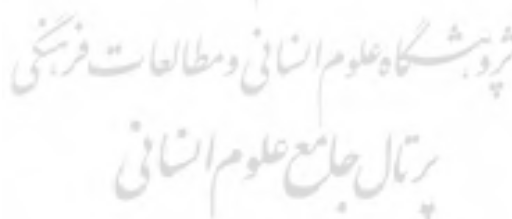
- ساکما، ۳۶۶-۳۷۰-۸۹.

- ساکما، ۲۰۹-۳۷۰-۸۹.

- ساکما، ۲-۲۶۴-۸۹.

- ساکما، ۵۱-۲۶۴-۸۹.

- ساکما-۱۶۳۱۲-۲۹۳-۹۷.



- ساکما، ۴۰۸۰۳-۲۹۳-۹۶.

- ساکما، ۲۳۲۱-۲۹۷-۹۷.

- ساکما، ۰۱۴۴۸-۲۹۳-۹۷.

- ساکما، ۰۰۰۷۶۹-۲۶۴-۹۷.

- ساکما، ۰۰۰۹۸۴/۲۶۴/۹۷.

- ساکما، ۰۱۴۴۸-۲۹۳-۹۸.

- ساکما، ۰۱۴۴۹/۲۹۳/۹۸.

- ساکما، ۱۲۱۷۵-۲۹۳-۹۸.

- ساکما، ۶۱۱۹-۲۹۳-۹۸.

- ساکما، ۳۴۴۱-۲۰۰.

- ساکما، ۱۷۰۰۹-۲۲۰.

- ساکما، ۱۲۹۷۶-۲۲۰.

- ساکما، ۱۱۰۳۵-۲۲۰.

- ساکما، ۹۷۴۳-۲۲۰.

- ساکما، ۰۱۸۰۰۱-۲۲۰.

- ساکما، ۹۱۱۹-۲۲۰.

- ساکما، ۰۰۱۱۰۵-۲۲۰.

- ساکما، ۰۱۸۵۵۵-۲۲۰.

- ساکما، ۴۸۸۴۲-۲۳۰.



- ساکما، ۴۳۳۳/۲۳۰.

- ساکما، ۵۶۷۲۵/۲۳۰.

- ساکما، ۲۸۳۳ - ۲۳۴.

- ساکما، ۱۳۶۷۷۳ - ۲۴۰.

- ساکما، ۰۲۵۴۳۵ - ۲۶۴.

- ساکما، ۲۸۲۹۴ - ۲۶۴.

- ساکما، ۱۷۷۷ - ۲۹۱.

- ساکما، ۶۱۱۹ - ۲۹۳.

- ساکما، ۱۲۶۳۲۲ - ۲۹۳.

- ساکما، ۱۲۶۳۲۳ - ۲۹۳.

- ساکما، ۶۹۲۳۹ - ۲۹۳.

- ساکما، ۷۴۴۰۳ - ۲۹۳.

- ساکما، ۷۱۳۹۶ - ۲۹۳.

- ساکما، ۷۴۴۵۶ - ۲۹۳.

- ساکما، ۵۳۲۸۸ - ۲۹۳.

- ساکما، ۶۲۹۴۸ - ۲۹۳.

- ساکما، ۷۴۴۹۴ - ۲۹۳.

- ساکما، ۷۶۷۷۷ - ۲۹۳.

- ساکما، ۱۶۰۳۹ - ۲۹۷.

- ساکما، ۵۹۲۴ - ۲۹۷.



- ساکما، ۸۸۲۸/۳۱۰.

- ساکما، ۳۹۵ - ۳۳۰.

- ساکما، ۶۱۶۰۹ - ۳۳۰.

- ساکما، ۵۵۰۸ - ۳۷۰.

- ساکما، ۸۲۶۷ - ۳۷۰.

نشریات:

- اثر، ۴ بهمن ۱۳۵۲، سال ۲۴، شماره ۱۲۹۸.

- اثر، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۱، سال ۲۳، شماره ۱۰۹۳.

- کیهان، ۴ تیر ۱۳۵۵، سال ۳۴، شماره ۹۸۹۶.

- صدای مازندران، ۱۸ خرداد ۱۳۳۰، سال اول، شماره ۸۰.

- مازیار، ۷ آبان ۱۳۳۰، سال ۳، شماره ۳۵.

کتاب:

- اسکندربیک منشی، (۱۳۸۲)، عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، ج ۱. تهران: امیرکبیر.

- اعتماد، گیتی. حسامیان، فرخ. (۱۳۷۵). شهرنشینی در ایران. تهران: آگاه.

- بدیعی، ربیع. (۱۳۶۲). جغرافیای مفصل ایران. ج ۱. تهران: اقبال.

- پورکریم، هوشنگ. بازیار، همتاج. (۱۳۴۸). الاشت زادگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ

و هنر

- حضرتی، حسن، (۱۴۰۱). روش پژوهش در تاریخشناسی، چ ۳، تهران: لوگوس.

- ستوده، منوچهر. (۱۳۵۳). از آستارا تا استرآباد. ج ۳. تهران: انجمن آثار ملی.

- سپهر، محمدتقی. (۱۳۵۳). ناسخ-التواریخ. ج ۱. تهران: نشر اسلامیه.
 - شایان، عباس. (۱۳۶۴). مازندران. زیر نظر ایرج افشار. چ ۲. تهران: انتشارات علمی.
 - رزم آرا، علی. (۱۳۱۷). جغرافیای نظامی استان های شاهنشاهی ایران. تهران: سعادت.
 - رزم آرا، علی. (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران؛ گرگان و دریای خزر. تهران: بی جا.
 - کندی، مهدی. (۱۳۵۱). نظری به روستاهای مازندران. ساری: پیام.
 - مجتهدزاده، غلامحسین. (۱۳۸۳). برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: پیام نور.
 - محمودزاده، کمال. (بی تا). شناخت دریای مازندران. تهران: وزارت جنگ.
 - مهجوری، اسماعیل. (۱۳۴۵). تاریخ مازندران. ج ۲. ساری: اثر.
 - ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۹۰) سفرنامه مازندران. تصحیح مصطفی نوری. تهران: البرز.
 - همبلی، گاوین. (۱۳۸۸). تاریخ ایران دوره پهلوی از مجموعه تاریخ کمبریج. به سرپرستی پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب فر. ج ۷. تهران: جامی.
 - یوسفی نیا، علی اصغر. (۱۳۷۰). تاریخ تنکابن. تهران: قطره.
 - اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷. ۱۳۹۰. تهران: مرکز پژوهش سنجش و اسناد ریاست جمهوری.
- منابع اینترنتی:**
- سایت وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی. <https://www.mcth.ir>
 - سایت سازمان آمار ایران. [https:// amarfact.com](https://amarfact.com)